

طراحی تحقیق؛ رویکردهای کیفی، کمی و آمیخته

نویسنده: جان کرسول، دیوید کرسول

ترجمه: علی افروزه

استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه شهید بهشتی

رزگار پورمعروف

دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه علامه طباطبایی

تالیف: جان کرسول، دیوید کرسول

ترجمه: علی افروزه، رزگار پورمعروف

| مدیر گرافیک/راضیه امیری

| مدیر هنری و طراح جلد/ محمودرضا لطیفی

| ناظر چاپ/راضیه امیری

| نوبت چاپ/ اول ۱۴۰۴

| شمارگان/ ۵۰ نسخه

| شابک /-۱/۴۴۴-۴۲۷-۶۲۲-۹۷۸

قیمت:



مرکز پخش: تهران، خیابان انقلاب، بین خیابان ۱۲ فروردین و اردیبهشت، ساختمان ۱۳۶۰، طبقه پنجم، واحد ۲۳

۶۶۴۰۳۱۷۰ | ۶۶۴۰۳۱۶۲

hatmipg.com | hatmipg

توجه:

به موجب ماده ۵ قانون حمایت، از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱ کلیه حقوق این کتاب برای انتشارات حتمی محفوظ می‌باشد و هیچ شخص حقیقی یا حقوقی حق استفاده از آن را ندارد و متخلفین به موجب این قانون تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.



فهرست

۴	بخش اول:
۴	ملاحظات مقدماتی
۵	فصل اول: انتخاب رویکرد پژوهشی
۲۶	فصل دوم: مرور ادبیات پژوهش
۴۸	فصل سوم: کاربرد نظریه
۷۲	فصل ۴: استراتژی‌های نگارش و ملاحظات اخلاقی

۹۶	بخش دوم
۹۶	طراحی پژوهش
۹۷	فصل ۵: مقدمه پژوهش
۱۱۰	فصل ششم: بیان هدف
۱۲۵	فصل ۷: پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش
۱۳۵	فصل ۸: روش‌های کمی
۱۶۴	فصل ۹: روش‌های کیفی
۱۹۵	فصل ۱۰: روش‌های آمیخته

بخش اول:

ملاحظات مقدماتی

- فصل اول: انتخاب رویکرد پژوهشی
- فصل دوم: مرور ادبیات پژوهش
- فصل سوم: کاربرد نظریه
- فصل چهارم: استراتژی‌های نگارش و ملاحظات اخلاقی

هدف این کتاب، یاری‌رساندن به پژوهشگران در تدوین طرح یا پروپوزالی برای انجام یک مطالعه تحقیقاتی است. بخش نخست به مجموعه‌ای از ملاحظات مقدماتی می‌پردازد که پیش از طراحی هرگونه طرح یا برنامه پژوهشی ضروری به شمار می‌آیند. این ملاحظات شامل موارد زیر است:

- انتخاب رویکرد پژوهشی مناسب،
- مرور ادبیات برای جای‌دادن مطالعه پیشنهادی در چارچوب پژوهش‌های پیشین،
- تصمیم‌گیری درباره به‌کارگیری نظریه در مطالعه،
- و همچنین رعایت اصول نگارش علمی و ملاحظات اخلاقی از همان آغاز فرایند پژوهش.

فصل ۱

انتخاب رویکرد پژوهشی

اهداف یادگیری:

- یادگیری اصطلاحات پژوهشی و به کارگیری آنها در پروژه‌های تحقیقاتی.
- توصیف سه روش‌شناسی اصلی پژوهش و تفاوت‌های آنها برای انتخاب روش‌شناسی مناسب در مطالعه خود.
- تبیین رابطه میان مفاهیم، پیش‌فرض‌های جهان‌بینی فلسفی، طرح‌های پژوهشی و روش‌ها و بررسی اینکه چگونه می‌توان این سه مؤلفه را در پژوهش خود با یکدیگر مرتبط ساخت.
- ارزیابی اینکه کدام‌یک از جهان‌بینی‌های فلسفی با تجربه‌ها، آموزش‌ها و جهت‌گیری فرهنگی شما هم‌راستا است.
- شناسایی نوع طراحی پژوهشی که در مطالعه خود به کار خواهید گرفت.
- تشریح تفاوت‌های میان روش‌های کمی، کیفی و روش تحقیق آمیخته (آمیخته).
- شناسایی دلایل انتخاب یکی از رویکردهای کمی، کیفی یا آمیخته برای استفاده در پژوهش خود.

معرفی اصطلاحات کلیدی این فصل

پژوهش دارای زبان خاص خود است، درک اصطلاحات کلیدی برای استفاده صحیح از آن‌ها در یک مطالعه بسیار اهمیت دارد. عنوان این کتاب از عبارت «رویکردهای پژوهش» استفاده می‌کند. رویکردهای پژوهش (روش‌شناسی‌ها)، مجموعه‌ای از مراحل در فرایند تحقیق را در بر می‌گیرند که از مفروضات کلی آغاز شده و تا روش‌های دقیق گردآوری، تحلیل و تفسیر داده‌ها ادامه می‌یابند. این برنامه‌ریزی شامل تصمیم‌گیری‌های متعددی است، که پژوهشگران الزامی ندارند آن‌ها را دقیقاً به همان ترتیبی اتخاذ کنند که در این فصل آمده است. مهم‌ترین تصمیم کلی، انتخاب رویکرد مناسب برای مطالعه یک موضوع است. این تصمیم باید بر اساس سه عامل اصلی صورت گیرد:

۱. مفروضات فلسفی که پژوهشگر با خود به مطالعه می‌آورد؛

۲. فرایندهای پژوهشی (که به آن‌ها «طرح‌های پژوهش» گفته می‌شود)؛

۳. روش‌های مشخص تحقیق در زمینه گردآوری، تحلیل و تفسیر داده‌ها.

انتخاب یک رویکرد پژوهشی باید با توجه به سه عنصر صورت گیرد: مسئله یا پرسش پژوهشی، تجربیات شخصی پژوهشگر و مخاطبان مطالعه. بنابراین، در این کتاب، چهار اصطلاح کلیدی عبارت‌اند از: مفروضات فلسفی، رویکردهای پژوهش، طرح‌های پژوهش و روش‌های تحقیق. این اصطلاحات نمایانگر چشم‌اندازی از جریان پژوهش هستند که از ساختارهای کلی و نظری آغاز شده و تا رویه‌های خاص و عملیاتی ادامه می‌یابد. جدول ۱-۱ در ادامه، این مفاهیم کلیدی را با جزئیات بیشتری توضیح می‌دهد.

جدول ۱-۱. اصطلاحات کلیدی و تعاریف آن‌ها در این فصل

مفروضات فلسفی ^۱	پیش از آغاز یک مطالعه، پژوهشگر با دیدگاه و مجموعه‌ای از باورها وارد فرایند تحقیق می‌شود که نحوه اجرای پژوهش را تحت‌تاثیر قرار می‌دهند. مفروضات فلسفی، همان باورها و ارزش‌هایی هستند که پژوهشگر آن‌ها را در انجام پژوهش مهم می‌داند. این مفروضات از آموزش‌های تخصصی پژوهشگر در یک رشته علمی (مانند روان‌شناسی)، تجربه‌های پیشین پژوهشی و زمینه فرهنگی فرد ناشی می‌شوند.
رویکرد پژوهش ^۲	در این کتاب، از واژه «رویکرد پژوهش» مترادف با «روش‌شناسی پژوهش» ^۳ استفاده می‌شود. این اصطلاح به انواع مختلفی پژوهش‌هایی اشاره دارد که به‌صورت تاریخی شکل گرفته‌اند. در این فصل، سه روش‌شناسی کلی معرفی می‌شود: کمی، کیفی و روش آمیخته (آمیخته).
طرح پژوهش ^۴	«طرح پژوهش» به شیوه‌های اجرای تحقیق در درون یک روش‌شناسی کلی اشاره دارد. به عبارت دیگر، هر روش‌شناسی کلی (مانند روش کیفی یا کمی) می‌تواند به انواع مختلفی از طرح‌ها تقسیم شود. هر طرح دارای رویه‌ها و مراحل خاص خود برای انجام پژوهش است.
روش‌های تحقیق ^۵	در قالب یک طرح پژوهشی مشخص، پژوهشگر داده‌ها را گردآوری کرده، آن‌ها را تحلیل می‌کند و به تفسیر معنای آن‌ها می‌پردازد. این فرایند شامل روش‌های مورد استفاده در مطالعه است.

سه رویکرد یا روش‌شناسی در پژوهش

در این کتاب، سه رویکرد یا روش‌شناسی کلی برای انجام پژوهش معرفی می‌شود:

الف) کیفی^۶، ب) کمی^۷، ج) آمیخته^۸.

1. Philosophical Assumptions

2. Research Approach

3. Research Methodology

4. Research Design

5. Research Methods

6. Qualitative

7. quantitative

8. mixed methods



بی‌تردید، این سه رویکرد به اندازه‌ای که در نگاه نخست به نظر می‌رسند، از یکدیگر مجزا و تفکیک‌شده نیستند. پژوهشگران نباید به رویکردهای کیفی و کمی به‌عنوان دو مقوله کاملاً جداگانه، متقابل یا دوگانه‌ی مطلق نگاه کنند. بلکه این دو، دو سوی یک پیوستار را نشان می‌دهند (کرسول و گوترمن، ۲۰۱۸؛ نیومن و بنز، ۱۹۹۸). یک مطالعه ممکن است بیشتر به سوی رویکرد کیفی متمایل باشد تا کمی یا برعکس. روش پژوهش آمیخته در میانه این پیوستار جای می‌گیرد، چرا که عناصر هر دو رویکرد کیفی و کمی را در خود تلفیق می‌کند.

اغلب تفاوت میان پژوهش کیفی و پژوهش کمی با این تعبیر بیان می‌شود که پژوهش کیفی بر «کلمات» و پژوهش کمی بر «اعداد» تمرکز دارد. یا به بیان دقیق‌تر، پژوهش کمی مبتنی بر پرسش‌ها و پاسخ‌های بسته (مانند فرضیه‌های آزمودنی) و پژوهش کیفی مبتنی بر پرسش‌ها و پاسخ‌های باز (مانند سؤالات مصاحبه کیفی) است. با این حال، درک کامل‌تری از تفاوت‌های تدریجی این دو رویکرد، در بررسی مفروضات فلسفی پایه‌ای که پژوهشگران با خود به مطالعه می‌آورند، نوع راهبردهای پژوهشی مورد استفاده (برای مثال، مطالعات تجربی کمی یا مطالعات موردی کیفی) و همچنین روش‌های مشخص گردآوری داده‌ها (مانند استفاده از ابزارهای کمی برای سنجش داده‌ها در برابر مشاهده محیط در پژوهش کیفی) به دست می‌آید. افزون بر این، هر دو رویکرد در طول زمان دستخوش تحول بوده‌اند. رویکردهای کمی از اواخر قرن نوزدهم تا نیمه قرن بیستم، شکل غالب پژوهش در علوم اجتماعی به شمار می‌رفتند. اما در نیمه دوم قرن بیستم، توجه به پژوهش کیفی افزایش یافت و روش تحقیق آمیخته نیز پدید آمد. با توجه به این پیش‌زمینه تاریخی، بررسی تعاریف سه اصطلاح کلیدی (رویکرد کیفی، کمی و آمیخته) همان‌گونه که در این کتاب به کار رفته‌اند، سودمند خواهد بود.

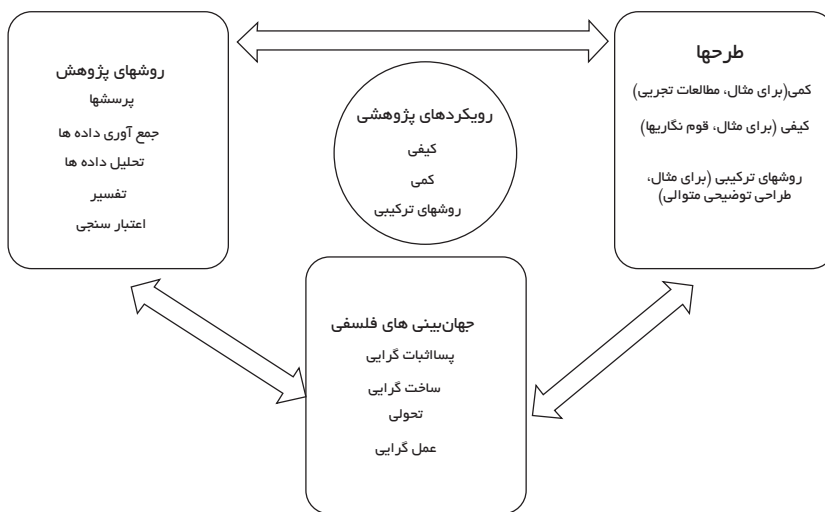
▪ **پژوهش کیفی:** پژوهش کیفی رویکردی است برای کاوش و فهم معنایی که افراد یا گروه‌ها به یک مسئله اجتماعی یا انسانی نسبت می‌دهند. فرایند این نوع پژوهش شامل پرسش‌ها و روش‌هایی است که به تدریج در حین مطالعه شکل می‌گیرند، داده‌هایی که عمدتاً در محیط طبیعی مشارکت‌کنندگان گردآوری می‌شوند، تحلیل داده‌ها به صورت استقرایی از جزئیات به سوی مفاهیم کلی و تفسیر معنایی داده‌ها توسط پژوهشگر انجام می‌گیرد. گزارش نهایی در این نوع پژوهش دارای ساختاری انعطاف‌پذیر است. پژوهشگرانی که از این رویکرد استفاده می‌کنند، سبک استقرایی در تحلیل دارند، از داده‌ها به سمت مفاهیم حرکت می‌کنند، بر معنای فردی تأکید دارند و پیچیدگی موقعیت‌ها را در گزارش خود برجسته می‌سازند.

▪ **پژوهش کمی:** پژوهش کمی رویکردی است برای آزمون نظریه‌های عینی از طریق بررسی روابط میان متغیرها یا مقایسه بین گروه‌ها. این متغیرها معمولاً از طریق ابزارهایی اندازه‌گیری می‌شوند تا داده‌های عددی حاصل شده و بتوان آن‌ها را با روش‌های آماری تحلیل کرد. گزارش نهایی پژوهش کمی دارای ساختاری مشخص شامل بخش‌های مقدمه، روش، یافته‌ها و بحث است. پژوهشگران کمی به صورت قیاسی نظریه‌ها را می‌آزمایند، سازوکارهایی برای کاهش سوگیری در مطالعه در نظر می‌گیرند، تأثیر عوامل مداخله‌گر را کنترل می‌کنند و در پی تعمیم‌پذیری و تکرارپذیری یافته‌ها هستند.

▪ **پژوهش آمیخته:** پژوهش آمیخته رویکردی است برای گردآوری داده‌های کمی و کیفی با بهره‌گیری از طرح یا روشی مشخص و ادغام یا تلفیق این دو نوع داده در درون یک طراحی پژوهشی، با هدف استخراج بینش‌هایی که از ترکیب پایگاه‌های داده حاصل می‌شوند. این تعریف از منظر روش شناختی به پژوهش آمیخته می‌نگرد و بر فرایندهای گردآوری داده، تحلیل و تفسیر در این نوع پژوهش تمرکز دارد. همچنین، در پژوهش آمیخته، پژوهشگر مفروضات فلسفی و نظریه‌هایی را با خود به مطالعه وارد می‌کند که فرایند تحقیق را هدایت می‌کنند.

سه مؤلفه اصلی یک رویکرد پژوهشی

رویکرد پژوهشی کلی، برنامه یا پروپوزالی برای انجام پژوهش است که شامل تلاقی سه مؤلفه اصلی می‌باشد: فلسفه، طرح‌های پژوهشی و روش‌های مشخص تحقیق. شکل ۱-۱ چارچوبی را ارائه می‌دهد که برای توضیح نحوه تعامل این سه مؤلفه به کار می‌بریم. در برنامه‌ریزی یک مطالعه، پژوهشگران باید به دقت درباره مفروضات فلسفی یا جهان‌بینی که به مطالعه وارد می‌کنند، طرح پژوهشی متناسب با این جهان‌بینی و روش‌ها یا فرایندهای مشخص پژوهش که رویکرد را به عمل تبدیل می‌کنند، تأمل نمایند.



شکل ۱-۱. چارچوبی برای پژوهش: ارتباط متقابل جهان‌بینی‌ها، طرح پژوهشی و روش‌های تحقیق

جهان‌بینی‌های فلسفی

اگرچه ایده‌های فلسفی در پژوهش به‌طور عمده پنهان باقی می‌مانند (اسلیف و ویلیامز، ۱۹۹۵)، اما همچنان بر روش اجرای پژوهش تأثیر می‌گذارند و لازم است به‌صورت آشکار شناسایی شوند. ما پیشنهاد می‌کنیم افرادی که در حال تدوین پروپوزال یا برنامه پژوهشی هستند، ایده‌های فلسفی کلی را که پیروی می‌کنند، به وضوح بیان کنند. این اطلاعات کمک خواهد کرد تا توضیح داده شود چرا آن‌ها رویکردهای کیفی، کمی یا آمیخته را برای پژوهش خود انتخاب کرده‌اند.

در نگارش درباره جهان‌بینی‌ها، پروپوزال ممکن است بخشی را شامل شود که به موارد زیر بپردازد:

- جهان‌بینی فلسفی که توسط پژوهشگر مورد استفاده قرار می‌گیرد،
 - تعریفی از ایده‌های اساسی آن جهان‌بینی،
 - جهان‌بینی فرد که از تجربیات پژوهشی، آموزش‌ها یا زمینه فرهنگی وی برگرفته شده است،
 - چگونگی تأثیر آن جهان‌بینی بر رویکرد پژوهشی پژوهشگر.
- ما اصطلاح «جهان‌بینی» را به معنای «مجموعه‌ای بنیادی از باورها که راهنمای عمل هستند» (گوبا، ۱۹۹۰،



ص. ۱۷) به کار می‌بریم. دیگران این مفاهیم را با عناوینی چون پارادایم‌ها (لینکلن و همکاران، ۲۰۱۱؛ مرتنز، ۲۰۱۰)، اپیستمولوژی‌ها و انتولوژی‌ها (کراوتی، ۱۹۹۸) یا به طور کلی روش‌شناسی‌های پژوهشی (نیومن، ۲۰۰۹) نامیده‌اند. ما ترجیح می‌دهیم از واژه «جهان‌بینی» استفاده کنیم چرا که این کلمه دیدگاه کلی و جهان‌شمولی به پژوهش در عصر ارتباطات بین‌المللی می‌بخشد. ما جهان‌بینی را به عنوان یک گرایش فلسفی کلی نسبت به جهان و ماهیت پژوهش می‌دانیم که پژوهشگر آن را به مطالعه وارد می‌کند. هر فردی بر اساس گرایش‌های رشته‌ای و جامعه پژوهشی خود، راهنمایان و مریبان، تجربیات پژوهشی پیشین و زمینه فرهنگی‌اش، جهان‌بینی خود را شکل می‌دهد. باورهای فلسفی فردی پژوهشگر که ناشی از این عوامل است، معمولاً باعث می‌شود تا وی رویکردی قوی به یکی از انواع پژوهش کیفی، کمی یا آمیخته گرایش پیدا کند. بیان این باورهای فلسفی در پژوهش اهمیت دارد، چرا که خواننده با دانستن سوگیری‌ها و موضع مشخص پژوهشگر، بهتر می‌تواند پژوهش را تفسیر کند. اگرچه در پژوهش‌های کمی معمولاً موضع پژوهشگر عمدتاً پنهان و بیان‌نشده باقی می‌ماند، ما معتقدیم که این موضع باید به صورت شفاف مطرح شود تا خوانندگان بتوانند بهتر پژوهش را تحلیل کنند. با وجود بحث‌های گسترده در مورد اینکه پژوهشگران چه جهان‌بینی‌ها یا باورهایی را به فرایند پژوهش می‌آورند، ما چهار جهان‌بینی را که در ادبیات پژوهشی بیش از همه مطرح شده‌اند، برجسته می‌کنیم: پسا‌ساخت‌گرایی، ساخت‌گرایی، تحول‌گرایی و عمل‌گرایی. عناصر اصلی هر یک از این جهان‌بینی‌ها در جدول ۲-۱ آمده است.

جدول ۲-۱. چهار جهان‌بینی فلسفی

ساخت‌گرایی ^۲	پسااثبات‌گرایی ^۱
<ul style="list-style-type: none"> • فهم • معانی چندگانه مشارکت‌کنندگان • ساخت اجتماعی و تاریخی واقعیت • تولید نظریه 	<ul style="list-style-type: none"> • تعیین‌پذیری • تقلیل‌گرایی • مشاهده و سنجش تجربی • تایید نظریه
عمل‌گرایی ^۴	تحول‌گرا ^۳
<ul style="list-style-type: none"> • توجه به پیامدهای عمل • مسئله‌محور • کثرت‌گرایانه • مبتنی بر عمل در جهان واقعی 	<ul style="list-style-type: none"> • سیاسی • معطوف به قدرت و عدالت • مشارکت‌محور • تغییر‌محور

جهان‌بینی پسااثبات‌گرایانه

جهان‌بینی‌های پسااثبات‌گرایانه نمایانگر شکل سنتی تحقیق هستند و این مفروضات، بیشتر با پژوهش‌های کمی سازگارند تا پژوهش‌های کیفی. این جهان‌بینی گاهی به نام روش علمی یا پژوهش علمی شناخته می‌شود. همچنین از آن با عناوینی مانند تحقیق اثبات‌گرا/پسااثبات‌گرا، علم تجربی و پسااثبات‌گرایی نیز یاد می‌شود. اصطلاح «پسااثبات‌گرایی» به این دلیل به کار می‌رود که بازتاب‌دهنده‌ی شیوه‌ی تفکر پس از اثبات‌گرایی است؛ شیوه‌ای که به چالش کشیدن باور سنتی به «حقیقت مطلق دانش» را در بر می‌گیرد. فیلیپس و بریولز^۵ (۲۰۰۰) و ادعان دارد که در مطالعه رفتار و کنش‌های انسانی، نمی‌توانیم به ادعاهای خود درباره شناخت، با قطعیت کامل اعتماد کنیم. سنت پسااثبات‌گرایی ریشه در اندیشه‌های نویسندگان قرن نوزدهم مانند کنت، میل، دورکیم، نیوتن و لاک دارد (اسمیت، ۱۹۸۳) و در دوره‌های متأخرتر توسط نویسندگانی مانند فیلیپس و بریولز (۲۰۰۰) گسترش

1. Postpositivism

2. Constructivism

3. Transformative

4. Pragmatism

5. Burbules

یافته است.

افرادی که جهان‌بینی پسااثبات‌گرایانه دارند، فلسفه‌ای تعیین‌کننده‌گرا^۱ را می‌پذیرند که معتقد است علل (احتمال زیاد) نتایج یا پیامدها را تعیین می‌کنند. بنابراین، مسائلی که پژوهشگران پسااثبات‌گرا مطالعه می‌کنند، به نیاز به شناسایی و ارزیابی علل مؤثر بر نتایج اشاره دارد، مانند آنچه در مطالعات تجربی دیده می‌شود. این جهان‌بینی همچنین تقلیل‌گرا است، به این معنا که قصد دارد ایده‌ها را به مجموعه‌ای کوچک و مشخص برای آزمون کاهش دهد، مانند متغیرهایی که فرضیه‌ها و سوالات پژوهشی را تشکیل می‌دهند. مشاهده دقیق و اندازه‌گیری واقعیت عینی «خارج از ما» در جهان، دیدگاه پسااثبات‌گرایانه را نمایندگی می‌کند. بنابراین، توسعه اندازه‌گیری‌های عددی برای مشاهدات و مطالعه رفتار افراد برای پژوهشگر پسااثبات‌گرا اهمیت ویژه‌ای دارد. در نهایت، قوانین یا نظریه‌هایی جهان را حاکم می‌کنند و این نظریه‌ها باید آزموده، تأیید و تصحیح شوند تا بتوانیم جهان را بهتر بشناسیم. بنابراین، در روش علمی که رویکرد پذیرفته‌شده پژوهش توسط پسااثبات‌گرایان است پژوهشگر کار خود را با نظریه‌ای آغاز می‌کند، داده‌هایی گردآوری می‌کند که یا از نظریه پشتیبانی می‌کنند یا آن را رد می‌کنند، سپس اصلاحات لازم را انجام داده و مطالعات تجربی بیشتری به عمل می‌آورد.

با مطالعه کتاب فیلیپس^۲ و بریولز (۲۰۰۰)، می‌توان به درک مهم‌ترین فرضیات این دیدگاه رسید، از جمله

موارد زیر:

- دانش حدسی (ضد بنیادگرایی^۳) است؛ حقیقت مطلق هرگز قابل دستیابی نیست.
- شواهد حاصل از پژوهش همیشه ناقص و قابل خطا هستند. به همین دلیل، پژوهشگران بیان می‌کنند که فرضیه را اثبات نمی‌کنند؛ بلکه صرفاً عدم رد فرضیه را نشان می‌دهند.
- پژوهش فرایندی است که در آن ادعاهایی مطرح می‌شود و سپس این ادعاها بازنگری، اصلاح یا کنار گذاشته شده و به جای آن‌ها ادعاهای قوی‌تری مطرح می‌گردد. برای مثال، اکثر پژوهش‌های کمی با آزمون یک نظریه آغاز می‌شوند.
- داده‌ها، شواهد و ملاحظات عقلانی شکل‌دهنده دانش هستند. در عمل، پژوهشگر اطلاعات را از طریق ابزارهایی جمع‌آوری می‌کند که بر اساس پرسشنامه‌های پاسخ داده شده توسط مشارکت‌کنندگان یا مشاهدات ثبت شده توسط پژوهشگر طراحی شده‌اند.
- هدف پژوهش توسعه گزاره‌های مرتبط و درست است که وضعیت مورد نظر را توضیح داده یا روابط علی مورد توجه را توصیف کنند. در مطالعات کمی، پژوهشگران روابط بین متغیرها را تبیین کرده و آن‌ها را به صورت سوالات پژوهشی یا فرضیه مطرح می‌کنند.
- عینیت داشتن یکی از جنبه‌های ضروری پژوهش علمی است؛ پژوهشگران باید روش‌ها و نتایج را از نظر وجود سوگیری بررسی کنند. برای مثال، استانداردهای اعتبار و پایایی در پژوهش‌های کمی اهمیت فراوانی دارند.

جهان‌بینی ساخت‌گرایی

برخی پژوهشگران جهان‌بینی متفاوتی دارند. جهان‌بینی ساخت‌گرایی یا ساخت‌گرایی اجتماعی (که اغلب همراه با تفسیرگرایی مطرح می‌شود) موضع فلسفی است که در پژوهش‌های کیفی به کار می‌رود. این ایده‌ها از مانهایم و آثاری مانند کتاب ساخت اجتماعی واقعیت نوشته برگر و لاکمن (۱۹۶۷) و پژوهش طبیعی‌گرایانه

1. deterministic philosophy

2. Phillips

3. antifoundational



نوشته لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) نشأت گرفته‌اند. نویسندگان معاصرتر که این موضع را جمع‌بندی کرده‌اند، شامل لینکلن و همکاران (۲۰۱۱)، مرتنز (۲۰۱۰) و کراوتی (۱۹۹۸) هستند. پژوهشگرانی که جهان‌بینی ساخت‌گرایی را دارند، معتقدند افراد در پی فهم دنیایی هستند که در آن زندگی و کار می‌کنند. افراد معانی ذهنی و شخصی از تجربیات خود می‌سازند، معنایی که به اشیاء یا موضوعات خاصی معطوف است. این معانی متنوع و چندگانه‌اند و پژوهشگر را به جستجوی پیچیدگی دیدگاه‌ها به جای محدود کردن معانی به چند دسته یا مفهوم وامی‌دارد. هدف پژوهش تا حد امکان بر پایه دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان نسبت به وضعیت مورد مطالعه استوار است. پرسش‌ها به صورت کلی و گسترده مطرح می‌شوند تا مشارکت‌کنندگان بتوانند معنای وضعیت را بسازند؛ این معنا معمولاً در جریان گفتگوها یا تعاملات با دیگران شکل می‌گیرد. هرچه پرسش‌ها بازتر باشند، بهتر است، زیرا پژوهشگر با دقت به آنچه افراد در زندگی روزمره خود می‌گویند یا انجام می‌دهند، گوش می‌دهد. این معانی ذهنی غالباً به صورت اجتماعی و تاریخی مورد مذاکره قرار می‌گیرند. آن‌ها صرفاً به فردی تحمیل نشده‌اند، بلکه از طریق تعامل با دیگران (که دلیل استفاده از اصطلاح «ساخت‌گرایی اجتماعی» است) و همچنین از طریق هنجارهای تاریخی و فرهنگی که در زندگی افراد جاری است، شکل می‌گیرند. از این رو، پژوهشگران ساخت‌گرا معمولاً فرایندهای تعامل میان افراد را مورد توجه قرار می‌دهند. همچنین آن‌ها بر زمینه‌های خاص زندگی و کار افراد تمرکز می‌کنند تا موقعیت‌های تاریخی و فرهنگی مشارکت‌کنندگان را درک کنند. پژوهشگران می‌دانند که زمینه‌های شخصی، فرهنگی و تاریخی خودشان تفسیرهای آن‌ها را شکل می‌دهد و در پژوهش موضع خود را مشخص می‌کنند تا نشان دهند این تفسیرها چگونه از تجارب شخصی و فرهنگی‌شان نشأت گرفته‌اند. هدف پژوهشگر، فهمیدن یا تفسیر معانی است که دیگران درباره جهان دارند. برخلاف رویکرد پسااثبات‌گرایی که پژوهش با نظریه آغاز می‌شود، در این جهان‌بینی پژوهشگر به صورت استقرایی نظریه یا الگوی معنایی را تولید می‌کند.

برای مثال، در بحث ساخت‌گرایی، کراوتی (۱۹۹۸) چند فرضیه کلیدی را مطرح کرده است:

- انسان‌ها معنا را هنگام تعامل با دنیایی که در حال تفسیر آن هستند، می‌سازند. پژوهشگران کیفی معمولاً از پرسش‌های باز استفاده می‌کنند تا شرکت‌کنندگان بتوانند دیدگاه‌های خود را به اشتراک بگذارند.
- انسان‌ها با جهان خود تعامل می‌کنند و آن را بر اساس دیدگاه‌های تاریخی و اجتماعی خود معنا می‌کنند، همه ما در دنیایی از معنا متولد می‌شویم که توسط فرهنگ ما به ما داده شده است. بنابراین، پژوهشگران کیفی تلاش می‌کنند زمینه یا موقعیت شرکت‌کنندگان را از طریق بازدید از آن محیط و جمع‌آوری اطلاعات به صورت حضوری درک کنند. آن‌ها همچنین یافته‌های خود را تفسیر می‌کنند؛ تفسیرهایی که تحت تأثیر تجارب و زمینه شخصی پژوهشگر شکل می‌گیرند.
- تولید اولیه معنا همیشه اجتماعی است و از تعامل با یک جامعه انسانی نشأت می‌گیرد. فرایند پژوهش کیفی عمدتاً استقرایی است؛ پژوهشگر معنا را از داده‌های جمع‌آوری شده در میدان به دست می‌آورد.

/ جهان‌بینی تحول‌گرا

گروه دیگری از پژوهشگران به فرضیات فلسفی رویکرد تحول‌گرایی پایبند هستند. این موضع در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ شکل گرفت، زمانی که افرادی احساس کردند فرضیات پسااثبات‌گرایی قوانین و نظریه‌های ساختاری را تحمیل می‌کند که با شرایط افراد به حاشیه رانده شده در جامعه ما یا مسائل قدرت، عدالت اجتماعی، تبعیض و سرکوب تناسب ندارد. بدنه‌ی یکپارچه‌ای از ادبیات که این جهان‌بینی را توصیف کند وجود ندارد، اما این دیدگاه شامل گروه‌هایی از پژوهشگران نظیر نظریه‌پردازان انتقادی، پژوهشگران مشارکتی، پژوهشگران

مشارکت محور مبتنی بر جامعه، مارکسیست‌ها، فمینیست‌ها و اقلیت‌های نژادی و قومی است. همچنین شامل افراد به حاشیه رانده شده می‌شود. از نظر تاریخی، نویسندگان تحول‌گرا بر آثار مارکس، آدورنو، مارکوزه، هابرماس و فرایره تکیه کرده‌اند (نیومن، ۲۰۰۹). همچنین فی (۱۹۸۷)، هرون و ریزن (۱۹۹۷)، کمیس و ویلکینسون (۱۹۹۸)، کمیس و مک‌تاگارت (۲۰۰۰) و مرتنز (۲۰۰۹، ۲۰۱۰) از دیگر نویسندگان مطرح در این دیدگاه هستند.

به طور کلی، این پژوهشگران بر این باور بودند که موضع ساخت‌گرایی به اندازه کافی در حمایت از برنامه عملی برای یاری رساندن به افراد به حاشیه رانده شده پیش نرفته است. جهان‌بینی تحول‌گرا بر این اصل تأکید دارد که فرایند پژوهش باید با سیاست و برنامه تغییر سیاسی درهم تنیده شود تا با ستم اجتماعی در هر سطحی که رخ می‌دهد مقابله کند (مرتنز، ۲۰۱۰). بنابراین، پژوهش دارای برنامه عملی برای اصلاح است که ممکن است زندگی مشارکت‌کنندگان، نهادهایی که افراد در آن‌ها کار یا زندگی می‌کنند و همچنین زندگی پژوهشگر را دگرگون سازد. افزون بر این، پژوهشگران باید به مسائل اجتماعی مهم روز پردازند؛ مسائلی مانند توانمندسازی، نابرابری، ستم، سلطه، سرکوب و بیگانگی. پژوهشگر معمولاً یکی از این مسائل را به عنوان نقطه کانونی مطالعه انتخاب می‌کند. این پژوهش همچنین فرض می‌کند که پژوهشگر به صورت مشارکتی پیش خواهد رفت تا به سبب پژوهش، مشارکت‌کنندگان بیشتر به حاشیه رانده نشوند. از این رو، مشارکت‌کنندگان ممکن است در طراحی پرسش‌ها، جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل اطلاعات یا بهره‌مندی از نتایج پژوهش نقش داشته باشند. پژوهش تحول‌گرا صدای این مشارکت‌کنندگان می‌شود، آگاهی آن‌ها را افزایش می‌دهد یا برنامه‌ای برای تغییر و بهبود زندگی‌شان پیش می‌برد. این پژوهش به صدای متحدی برای اصلاحات و تغییرات بدل می‌شود.

این جهان‌بینی فلسفی بر نیازهای گروه‌ها و افرادی در جامعه ما تمرکز دارد که ممکن است به حاشیه رانده شده یا محروم شده باشند. از این رو، دیدگاه‌های نظری ممکن است با فرضیات فلسفی تلفیق شوند تا تصویری از مسائل مورد بررسی، افراد مطالعه‌شده و تغییرات مورد نیاز بسازند؛ مانند دیدگاه‌های فمینیستی، گفتمان‌های نژادی، نظریه انتقادی، نظریه کوپیر و نظریه معلولیت. یکی از تحولات مهم در سراسر جهان، گسترش علاقه به روش‌شناسی‌های بومی است که به فرهنگ افرادی که مورد مطالعه قرار می‌گیرند، احترام می‌گذارند و آن‌ها را ارج می‌نهند. برای مثال، در مطالعه‌ای در بوتسوانا، چیلیسا و تشکو (۲۰۱۴) بر اهمیت توجه به زبان فرهنگی مشارکت‌کنندگان (مانند حرکات دست، لحن‌ها، بیان‌ها) و استفاده از روش‌های گفت‌وگو محور برای جمع‌آوری داده‌ها (مانند حلقه‌های گفت‌وگو، روایت‌پردازی) تأکید کردند. همچنین، جستجوی افرادی که به زبان فرهنگ آگاهی دارند برای شناخت امثال، افسانه‌ها و قصه‌های محلی، مشارکت دادن شرکت‌کنندگان به عنوان هم‌پژوهشگر و پایبندی به اصول احترام‌آمیز پاسخگویی نسبت به مشارکت‌کنندگان اهمیت فراوان دارد.

اگرچه این گروه‌ها متنوع‌اند و توضیحات ما در اینجا به صورت کلی بیان شده‌اند، اما مرور ویژگی‌های کلیدی جهان‌بینی یا پارادایم تحول‌گرا، همان‌گونه که مرتنز (۲۰۱۰) خلاصه کرده است، می‌تواند مفید باشد:

- در این جهان‌بینی، بررسی زندگی و تجربه‌های گروه‌های متنوعی که به‌طور سنتی به حاشیه رانده شده‌اند، جایگاه محوری دارد. زندگی این گروه‌ها همواره در معرض محدودیت‌هایی از سوی نیروهای سلطه‌گر قرار داشته است؛ محدودیت‌هایی که آنان در برابرشان راهبردهایی برای مقاومت، مقابله و خنثی‌سازی در پیش گرفته‌اند.
- در مطالعه این گروه‌های متنوع، پژوهشگر بر نابرابری‌هایی تمرکز می‌کند که بر اساس جنسیت، نژاد، قومیت، معلولیت، گرایش جنسی و طبقه اجتماعی-اقتصادی شکل گرفته‌اند و به روابط قدرت نابرابر منجر شده‌اند.
- پژوهش در چارچوب جهان‌بینی تحول‌گرا کنش سیاسی و اجتماعی را با این نابرابری‌ها پیوند می‌زند.



▪ پژوهش تحول‌گرا از نظریه برنامه‌محور بهره می‌گیرد؛ یعنی مجموعه‌ای از باورها درباره این‌که یک برنامه یا مداخله چگونه عمل می‌کند و چرا مشکلاتی مانند ستم، سلطه و روابط نابرابر قدرت وجود دارند.

/ جهان‌بینی عمل‌گرایانه

موضع دیگری درباره جهان‌بینی‌ها از سوی عمل‌گرایان (پراگماتیست‌ها) مطرح شده است. عمل‌گرایی از آثار پیرس، جیمز، مید و دیویی نشأت می‌گیرد (چری‌هولمز، ۱۹۹۲). از دیگر نویسندگان این حوزه می‌توان به مورفی (۱۹۹۰)، پتن (۱۹۹۰) و رورتی (۱۹۹۰) اشاره کرد. گرچه جهان‌بینی عمل‌گرایانه شکل‌های مختلفی دارد، اما ریشه آن در اعمال، موقعیت‌ها و پیامدها است، نه در شرایط پیشینی (همانند پسااثبات‌گرایی). دغدغه اصلی در این دیدگاه، کاربردپذیری، آنچه در عمل نتیجه می‌دهد و یافتن راه‌حل برای مسائل است (پتن، ۱۹۹۰). به‌جای تمرکز بر روش‌ها، پژوهشگران عمل‌گرا بر مسئله و پرسش پژوهش تمرکز دارند و از تمامی رویکردهای در دسترس برای درک مسئله استفاده می‌کنند (نگاه کنید به: راسمن و ویلسون، ۱۹۸۵). به‌عنوان بنیان فلسفی برای مطالعات آمیخته، نویسندگانی چون مورگان (۲۰۰۷)، پتن (۱۹۹۰) و تاشاکوری و تدلی (۲۰۱۰) بر اهمیت تمرکز بر مسئله پژوهشی در علوم اجتماعی و به‌کارگیری رویکردهای گوناگون برای گردآوری داده‌ها درباره آن مسئله تأکید کرده‌اند. با استفاده از دیدگاه‌های چری‌هولمز (۱۹۹۲)، مورگان (۲۰۰۷) و برداشت نویسندگان این کتاب، عمل‌گرایی بنیان فلسفی زیر را برای پژوهش فراهم می‌آورد:

- عمل‌گرایی به هیچ نظام فلسفی یا واقعیت واحدی پایبند نیست. این ایده در پژوهش آمیخته مصداق دارد؛ چراکه پژوهشگران می‌توانند آزادانه از فرض‌های کمی و کیفی بهره بگیرند.
- پژوهشگران در این رویکرد از آزادی انتخاب برخوردارند. به این معنا که می‌توانند روش‌ها، فنون و رویه‌هایی را انتخاب کنند که بیشترین تناسب را با نیازها و اهدافشان دارد.
- عمل‌گرایان، جهان را به‌صورت یکپارچه و مطلق نمی‌بینند. به همین ترتیب، پژوهشگران در رویکرد آمیخته به شیوه‌های گوناگونی برای گردآوری و تحلیل داده‌ها متوسل می‌شوند و خود را به یک راه مشخص (مثلاً فقط کمی یا فقط کیفی) محدود نمی‌کنند.
- حقیقت همان چیزی است که در لحظه کارآمد باشد. حقیقت نه صرفاً واقعیتی بیرون از ذهن است و نه فقط در درون ذهن قرار دارد. بنابراین، در پژوهش‌های آمیخته، پژوهشگران از داده‌های کمی و کیفی استفاده می‌کنند، چراکه در ترکیب این دو نوع داده می‌توان به بهترین درک از مسئله پژوهش رسید.
- پژوهشگران عمل‌گرا، نوع و نحوه انجام پژوهش را بر اساس پیامدهای مورد انتظار مشخص می‌کنند. از همین رو، پژوهشگران آمیخته باید برای ترکیب داده‌های کمی و کیفی هدف مشخص و استدلال روشنی ارائه دهند؛ یعنی دلیل قانع‌کننده‌ای برای لزوم ترکیب این دو نوع داده داشته باشند.
- عمل‌گرایان بر این باورند که پژوهش همواره در بستری اجتماعی، تاریخی، سیاسی و... رخ می‌دهد. از این منظر، پژوهش‌های آمیخته می‌توانند چرخشی پست‌مدرن داشته باشند و از لنزهای نظری بهره بگیرند که اهداف عدالت اجتماعی و سیاسی را بازتاب دهند.
- عمل‌گرایان به وجود دنیایی مستقل از ذهن باور دارند، اما هم‌زمان بر نقش ذهن نیز تأکید دارند. با این حال، آن‌ها معتقدند بهتر است از پرسیدن پرسش‌هایی درباره ماهیت واقعیت یا قوانین طبیعت دست برداریم (چری‌هولمز، ۱۹۹۲). همان‌طور که رورتی (۱۹۹۰، ص. xiv) می‌گوید: «آن‌ها ترجیح می‌دهند موضوع بحث را تغییر دهند.»

▪ بنابراین، برای پژوهشگرانی که با رویکرد آمیخته کار می‌کنند، عمل‌گرایی در راه‌سوی روش‌های چندگانه، جهان‌بینی‌های مختلف، پیش‌فرض‌های گوناگون و اشکال متنوع گردآوری و تحلیل داده‌ها باز می‌کند.

طرح‌های پژوهش

در چارچوب سه‌گانه‌ای که شامل «پیش‌فرض‌های فلسفی»، «طرح‌های پژوهش» و «روش‌های پژوهش» است، اکنون تمرکز ما به عنصر دوم، یعنی طرح‌های پژوهش معطوف می‌شود. پژوهشگر فقط انتخاب نمی‌کند که پژوهش خود را به صورت کیفی، کمی یا آمیخته انجام دهد، بلکه در هریک از این رویکردها، باید نوع مشخصی از طرح پژوهشی را نیز برگزیند. طرح‌های پژوهش در واقع الگوهایی برای انجام پژوهش هستند که نشان می‌دهند یک مطالعه در چارچوب رویکردهای کیفی، کمی یا آمیخته چگونه و با چه مراحل اجرا شود. برخی نویسندگان این طرح‌ها را با عنوان (راهبردهای پژوهشی) به کار برده‌اند (دنتزین و لینکلن، ۲۰۱۱). با گذر زمان و با پیشرفت فناوری رایانه‌ای، دامنه طرح‌های در دسترس برای پژوهشگران گسترش یافته است؛ از جمله به‌واسطه توانایی بیشتر در تحلیل داده‌ها، تحلیل مدل‌های پیچیده و به‌کارگیری شیوه‌های نوین در پژوهش علوم اجتماعی. نمونه‌هایی از این طرح‌ها که در علوم اجتماعی و علوم سلامت کاربرد فراوانی دارند، در فصل‌های ۸، ۹ و ۱۰ کتاب در بخش «روش‌ها» به تفصیل شرح داده خواهند شد. در اینجا، مروری مقدماتی بر این طرح‌ها خواهیم داشت که در ادامه کتاب، به آنها پرداخته خواهد شد و در مثال‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته‌اند. نمای کلی از این طرح‌ها در جدول ۳-۱ ارائه شده است.

جدول ۳-۱. طرح‌های جایگزین پژوهش

طرح‌های روش آمیخته	طرح‌های کیفی	طرح‌های کمی
<ul style="list-style-type: none"> • طرح همگرا^{۱۱} (هم‌زمان) • طرح ترتیبی تبیینی^{۱۲} • طرح ترتیبی اکتشافی^{۱۳} • طرح‌های پیچیده با طرح‌های اصلی جاسازی‌شده^{۱۴} 	<ul style="list-style-type: none"> • روش توصیفی^۵ • پژوهش روایتی^۶ • پدیدارشناسی^۷ • نظریه برخاسته از داده‌ها یا نظریه زمینه‌ای^۸ • قوم‌نگاری^۹ • مطالعه موردی^{۱۰} 	<ul style="list-style-type: none"> • تجربی و نیمه‌تجربی^۱ • تک‌آزمودنی^۲ • غیرتجربی (بدون مداخله) مانند پیمایش‌ها^۳ • طولی^۴

/ طرح‌های کمی^{۱۵}

در اواخر قرن نوزدهم و در طول قرن بیستم، طرح‌هایی که با پژوهش کمی در ارتباط بودند، با جهان‌بینی پسااثبات‌گرایانه پیوند خورده و عمدتاً از حوزه‌های فیزیولوژی و روان‌شناسی منشأ گرفته‌اند. این طرح‌ها شامل مطالعات تجربی واقعی^{۱۶} و نیمه‌تجربی می‌شوند (برای مطالعه‌ای کلاسیک در این زمینه، بنگرید به: کمبل و استنلی، ۱۹۶۳). نوعی دیگر از طراحی مطالعات تجربی، تحلیل رفتار کاربردی یا مطالعات تجربی تک‌آزمودنی است. این نوع مطالعات تجربی شامل اجرای مداخله‌ای مشخص بر یک فرد یا گروهی کوچک از افراد در یک بازه

1. Experimental and Quasi-experimental	2. Single-subject	3. Nonexperimental such as surveys
4. Longitudinal	5. Descriptive Method	6. Narrative Research
7. Phenomenology	8. Grounded Theory	9. Ethnography
10. Case Study	11. Convergent	12. Explanatory Sequential
13. Exploratory Sequential	14. Complex Designs with Embedded Core Designs	
15. Quantitative Designs	16. True Experiments	

زمانی است (کوپر و همکاران، ۲۰۰۷؛ نیومن و مک کورمیک، ۱۹۹۵). از دیگر گونه‌های پژوهش کمی غیر تجربی، می‌توان به پژوهش علی-مقایسه‌ای اشاره کرد؛ در این نوع طرح، پژوهشگر دو یا چند گروه را بر اساس یک عامل (متغیر مستقل) که پیش‌تر رخ داده، با یکدیگر مقایسه می‌کند. نوع دیگری از پژوهش غیر تجربی، طراحی همبستگی^۱ است که در آن پژوهشگران از آمارهای همبستگی برای توصیف و سنجش میزان ارتباط یا رابطه بین دو یا چند متغیر یا مجموعه‌ای از نمرات استفاده می‌کنند (کرسول و گترمن، ۲۰۱۸). این طرح‌ها ممکن است روابط پیچیده‌تری میان متغیرها را در بر بگیرند، از جمله در قالب مدل‌سازی معادلات ساختاری^۲، مدل‌سازی سلسله‌مراتبی خطی^۳ و رگرسیون لجستیک. در سال‌های اخیر، راهبردهای کمی شامل مطالعات تجربی پیچیده با متغیرها و مداخلات متعدد نیز شده‌اند (مانند طرح‌های عاملی و طرح‌های اندازه‌گیری مکرر). در برخی طرح‌ها از گردآوری داده‌های طولی در گذر زمان بهره گرفته می‌شود تا روندها و تحول ایده‌ها بررسی شوند. طرح‌هایی نیز طراحی شده‌اند که از مدل‌های ساختاری پیچیده‌ای بهره می‌برند که در آن‌ها مسیرهای علی و همچنین قدرت مشترک مجموعه‌ای از متغیرها برای تبیین پدیده‌ها، شناسایی می‌شود. با وجود وجود تنوع در این رویکردهای کمی، تمرکز این کتاب بر دو نوع طرح اصلی خواهد بود: پیمایش‌ها و مطالعات تجربی.

- **پژوهش پیمایشی:** پژوهش پیمایشی توصیفی کمی یا عددی از روندها، نگرش‌ها یا دیدگاه‌های یک جمعیت ارائه می‌دهد، آن‌هم از طریق بررسی نمونه‌ای از آن جمعیت. این روش شامل مطالعات مقطعی^۴ و مطالعات طولی است که به کمک پرسش‌نامه‌ها یا مصاحبه‌های ساختارمند برای گردآوری داده‌ها صورت می‌گیرد، با هدف تعمیم نتایج از نمونه به کل جمعیت (فولر، ۲۰۰۸).
- **مطالعات تجربی:** مطالعات تجربی به دنبال آن است که مشخص کند آیا مداخله‌ای خاص بر یک متغیر پیامد تأثیر دارد یا نه. پژوهشگر این موضوع را از طریق اعمال مداخله بر یک گروه و عدم اعمال آن بر گروه دیگر بررسی می‌کند و سپس نتایج دو گروه را مقایسه می‌کند. مطالعات تجربی شامل: مطالعات تجربی واقعی: که در آن افراد به‌طور تصادفی به شرایط مداخله تخصیص داده می‌شوند. مطالعات نیمه‌تجربی: که در آن تخصیص به‌صورت غیر تصادفی انجام می‌شود (کپل، ۱۹۹۱). همچنین طرح‌های تک‌آزمودنی: نیز نوعی از مطالعات تجربی هستند که در آن یک فرد یا یک گروه کوچک در یک بازه زمانی مورد مشاهده قرار می‌گیرد؛ مداخله‌ای بر آن‌ها اعمال و سپس متوقف می‌شود (گست و لدفورد، ۲۰۱۴).

/ طرح‌های کیفی

در پژوهش کیفی، شمار و گونه‌های رویکردها از دهه ۱۹۹۰ و به‌ویژه در قرن ۲۱، به‌صورت روشن‌تری قابل شناسایی شده‌اند. منشأ تاریخی پژوهش کیفی به رشته‌هایی چون مردم‌شناسی (انسان‌شناسی)، جامعه‌شناسی، علوم انسانی و ارزشیابی آموزشی و اجتماعی بازمی‌گردد. کتاب‌ها و منابع متعددی به طبقه‌بندی انواع رویکردهای کیفی پرداخته‌اند و در حال حاضر راهنماهای کامل و مستقلی برای هر یک از این رویکردها موجود است (کرسول و پات، ۲۰۱۸). به‌عنوان نمونه:

- کلندینین و کانلی (۲۰۰۰) تصویری از کارهای محققان روایت‌نگار ارائه کرده‌اند.
- موستاکاس (۱۹۹۴) اصول فلسفی و مراحل روش پدیدارشناسی را توضیح داده است.
- چارمز (۲۰۰۶)، کوربین و اشتراوس (۲۰۰۷، ۲۰۱۵) و اشتراوس و کوربین (۱۹۹۰، ۱۹۹۸)، روش‌شناسی نظریه برخاسته از داده‌ها را تشریح کرده‌اند.

▪ فترمن (۲۰۱۰) و ولکات (۲۰۰۸) به تبیین روش‌های قوم‌نگاری و تنوع چهره‌ها و راهبردهای پژوهشی آن پرداخته‌اند.

▪ استیک (۱۹۹۵) و بین (۲۰۰۹، ۲۰۱۲، ۲۰۱۴) فرآیندهای مرتبط با مطالعه موردی را مطرح کرده‌اند.

▪ در این کتاب، نمونه‌هایی از طرح‌های کیفی پرکاربرد و شناخته‌شده برای تبیین بیشتر ارائه شده‌اند. با این حال، باید توجه داشت که رویکردهایی همچون پژوهش اقدام‌پژوهی مشارکتی (کمیس و مک‌تاگارت، ۲۰۰۰)، تحلیل گفتمان (چیک، ۲۰۰۴) و سایر روش‌هایی که در اینجا به‌طور مستقیم ذکر نشده‌اند نیز، از جمله رویکردهای معتبر، مؤثر و پذیرفته‌شده در پژوهش‌های کیفی به‌شمار می‌آیند.

روش توصیفی: روش توصیفی در پژوهش کیفی، رویکردی تحلیلی است که در آن پژوهشگر به داده‌ها وفادار می‌ماند، از چارچوب‌های نظری محدود و تفسیرهای اندک برای تبیین داده‌ها استفاده می‌کند و اطلاعات را در قالب مضامین^۱ دسته‌بندی و طبقه‌بندی می‌نماید.

پژوهش روایتی: پژوهش روایتی، طرحی پژوهشی برگرفته از حوزه علوم انسانی است که در آن پژوهشگر به مطالعه زندگی افراد می‌پردازد و از یک یا چند مشارکت‌کننده می‌خواهد که روایت‌هایی از زندگی خود را ارائه دهند (ریسمن، ۲۰۰۸). این اطلاعات معمولاً توسط پژوهشگر بازروایی^۲ شده و در قالب روایت زمانی^۳ تنظیم می‌گردد. در بسیاری موارد، این روایت نهایی، آمیخته از دیدگاه‌های مشارکت‌کننده و پژوهشگر است که در قالب روایتی مشارکتی شکل می‌گیرد (کلندینین و کانلی، ۲۰۰۰).

پژوهش پدیدارشناختی: پژوهش پدیدارشناختی، طرحی برگرفته از فلسفه و روان‌شناسی است که در آن، پژوهشگر به توصیف تجربه‌های زیسته افراد در رابطه با یک پدیده خاص می‌پردازد؛ آن‌گونه که توسط خود مشارکت‌کنندگان شرح داده می‌شود. این توصیف در نهایت به شناخت ماهیت یا جوهره^۴ تجربه‌های مشترک افرادی می‌انجامد که آن پدیده را تجربه کرده‌اند. این طرح، پیش‌زمینه فلسفی قوی دارد و معمولاً با مصاحبه‌های عمیق انجام می‌شود (جورجی، ۲۰۰۹؛ موستاکاس، ۱۹۹۴).

نظریه داده‌بنیاد: نظریه داده‌بنیاد، طرحی پژوهشی با منشأ جامعه‌شناسی است که در آن، پژوهشگر بر اساس دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان، نظریه‌ای کلی و انتزاعی از یک فرایند، کنش یا تعامل استخراج می‌کند. این فرایند، شامل گردآوری داده‌ها در چند مرحله، پالایش تدریجی مفاهیم و ایجاد روابط بین مقولات به‌منظور ساخت یک نظریه منسجم است (چارمز، ۲۰۰۶؛ کوربین و اشتراوس، ۲۰۰۷، ۲۰۱۵).

قوم‌نگاری: قوم‌نگاری، طرحی برگرفته از مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی است که در آن پژوهشگر به مطالعه الگوهای مشترک رفتار، زبان و کنش‌های یک گروه فرهنگی منسجم در محیط طبیعی آن‌ها می‌پردازد، آن‌هم طی مدت‌زمانی طولانی. گردآوری داده‌ها عمدتاً از طریق مشاهده و مصاحبه انجام می‌شود (ولکات، ۱۹۹۴).

مطالعه موردی: مطالعه موردی، طرحی پژوهشی است که در حوزه‌های متعددی، به‌ویژه در ارزشیابی^۵، به کار گرفته می‌شود. در این روش، پژوهشگر به تحلیل عمیق یک «مورد» می‌پردازد؛ موردی که می‌تواند یک برنامه، رویداد، فعالیت، فرایند یا یک یا چند فرد باشد. موارد پژوهش، معمولاً از لحاظ زمان و مکان دارای مرز مشخص هستند و پژوهشگر برای مدت زمان مشخصی، از روش‌های متنوع گردآوری داده‌ها استفاده می‌کند (استیک، ۱۹۹۵؛ بین، ۲۰۰۹، ۲۰۱۲، ۲۰۱۴).

1. themes

2. restorying

3. narrative chronology

4. essence

5. evaluation



/ طرح‌های روش آمیخته

پژوهش با روش آمیخته شامل گردآوری داده‌های کمی و کیفی و ترکیب یا ادغام آن‌ها به منظور دستیابی به بینش‌ها یا استنباط‌هایی است که از تلفیق این داده‌ها حاصل می‌شود. داده‌های کیفی، غالباً بدون پاسخ‌های از پیش تعیین‌شده و به صورت بازگردآوری می‌شوند، در حالی که داده‌های کمی معمولاً دارای پاسخ‌های بسته هستند؛ مانند آنچه در پرسش‌نامه‌ها یا ابزارهای روان‌سنجی دیده می‌شود. رشته پژوهش آمیخته، آن‌گونه که امروزه می‌شناسیم، از اواسط تا اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی آغاز شد. با این حال، ریشه‌های آن به سال‌ها پیش‌تر بازمی‌گردد. در سال ۱۹۵۹، کمبل و فیسک از چندین روش برای بررسی صفات روان‌شناختی استفاده کردند، گرچه روش‌های آن‌ها تنها ابزارهای کمی بودند. این اقدام موجب شد پژوهشگران دیگر به استفاده از چند منبع داده، مانند مشاهدات و مصاحبه‌ها (داده‌های کیفی) در کنار پرسش‌نامه‌های سنتی (داده‌های کمی) روی بیاورند (زیبر، ۱۹۷۳). اندیشه‌های اولیه پیرامون ارزش استفاده از روش‌های چندگانه، که بعدها «روش آمیخته» نام گرفت، بر این مبنا استوار بود که هر روش، سوگیری‌ها و محدودیت‌هایی دارد. بنابراین، جمع‌آوری هم‌زمان داده‌های کمی و کیفی می‌تواند نقاط ضعف هر روش را خنثی کرده و نتایج قابل اعتماد ارائه دهد. ترکیب منابع داده، روشی برای دستیابی به همگرایی میان روش‌های کمی و کیفی تلقی شد (جیک، ۱۹۷۹). از اوایل دهه ۱۹۹۰، توجه روش آمیخته به سمت ادغام نظام‌مند داده‌های کمی و کیفی معطوف شد و تلاش‌هایی برای طراحی سازوکارهایی جهت ترکیب داده‌ها از طریق الگوهای پژوهشی متنوع شکل گرفت. این رویکردها به‌طور گسترده در کتاب مرجع مهمی در سال ۲۰۰۳ معرفی شدند که در سال ۲۰۱۰ نیز بازنشر گردید (تشکری و تدلی، ۲۰۱۰).

با گسترش روزافزون پژوهش‌های آمیخته، طرح‌ها و الگوهای مشخصی برای انجام این نوع پژوهش توسعه یافته‌اند. این طرح‌ها معمولاً همراه با نمودارهایی ارائه می‌شوند تا ساختار آن‌ها برای خواننده قابل فهم‌تر باشد (کرسول و پلینو کلارک، ۲۰۱۸؛ کرسول، ۲۰۲۲). امروزه، موضوعاتی چون ویژگی‌های مطالعات موفق در روش آمیخته، شاخص‌های ارزیابی کیفیت این مطالعات، نقش کار گروهی در اجرای آن‌ها و نیز رشد سریع استفاده از این روش در کشورهای مختلف، به‌طور گسترده مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. اگرچه در حوزه روش آمیخته، الگوهای متعددی وجود دارد، اما این کتاب تمرکز خود را بر سه الگوی اصلی^۱ قرار داده است. همچنین، به چند الگوی پیچیده‌تر نیز پرداخته می‌شود که در آن‌ها، یکی از این طرح‌های اصلی در دل یک ساختار بزرگ‌تر یا یک فرآیند کلی‌تر قرار می‌گیرد. این دسته دوم، به‌عنوان طرح‌های درهم‌تنیده یا تودرتو شناخته می‌شوند.

طراحی آمیخته متوالی تبیینی: طراحی آمیخته متوالی تبیینی یکی از الگوهای اصلی در روش آمیخته است که در آن، پژوهشگر ابتدا پژوهش کمی را اجرا کرده، نتایج آن را تحلیل می‌کند و سپس با اجرای یک مرحله کیفی، درصدد تبیین عمیق‌تر این نتایج برمی‌آید. این طرح «تبیینی» نام دارد، زیرا داده‌های کیفی به‌منظور توضیح یا روشن‌سازی یافته‌های کمی به‌کار می‌روند. ساختار این طراحی «متوالی» است، چراکه مرحله کمی در آغاز و مرحله کیفی در ادامه آن انجام می‌شود. این نوع طراحی به‌ویژه در حوزه‌هایی که گرایش بالایی به روش‌های کمی دارند (مانند روان‌شناسی، آموزش و علوم سلامت) پرکاربرد است؛ زیرا پژوهش با داده‌های کمی آغاز می‌شود. با این حال، این الگو با چالش‌هایی همراه است؛ از جمله:

- تشخیص اینکه کدام یک از یافته‌های کمی نیازمند تبیین بیشتر هستند،
 - و تعیین معیارهای مناسب برای انتخاب نمونه در مرحله دوم (مرحله کیفی) بر اساس نتایج کمی.
- طراحی آمیخته متوالی اکتشافی:** این طراحی، برعکس طرح تبیینی است؛ بدین معنا که پژوهش با مرحله‌ای

کیفی آغاز می‌شود. در این مرحله، پژوهشگر به بررسی دیدگاه‌ها و تجربیات مشارکت‌کنندگان می‌پردازد. پس از تحلیل داده‌های کیفی، یافته‌ها مبنایی برای طراحی مرحله دوم یعنی پژوهش کمی قرار می‌گیرند. داده‌های کیفی در این طراحی می‌توانند کارکردهای گوناگونی داشته باشند، از جمله:

- طراحی یا بومی‌سازی ابزارهای اندازه‌گیری مناسب برای نمونه مورد مطالعه،
 - شناسایی ابزارهای کمی قابل استفاده در مرحله بعدی پژوهش،
 - طراحی مداخله‌های مطالعات تجربی (مانند برنامه آموزشی یا درمانی)،
 - یا حتی کمک به طراحی اپلیکیشن یا وب‌سایت تحقیقاتی.
- از جمله چالش‌های این طراحی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- دشواری در انتخاب دقیق‌ترین یافته‌های کیفی برای استفاده در مرحله کمی،
 - و تصمیم‌گیری درباره نحوه انتخاب نمونه در هر دو مرحله (کیفی و کمی).
- طراحی آمیخته پیچیده:** در طراحی‌های آمیخته پیچیده، یک یا چند طرح اصلی (تبیینی، اکتشافی یا هم‌گرایانه) درون یک چارچوب گسترده‌تر یا فرایند کلان‌تر جای‌گذاری می‌شوند. برای مثال:
- ممکن است در یک مطالعات تجربی کمی، داده‌های کیفی نیز به‌صورت مکمل گردآوری شوند تا در تحلیل و تفسیر نتایج عددی نقش ایفا کنند.

- ممکن است یک یا چند طرح آمیخته در چارچوب مطالعه موردی به‌کار روند تا به‌صورت قیاسی به مستندسازی موارد پردازند یا برای تحلیل‌های عمیق‌تر، موارد جدیدی ایجاد کنند.
- همچنین، در مطالعات نظری با رویکرد عدالت اجتماعی (مانند آنچه در فصل ۳ آمده است)، طرح‌های آمیخته می‌توانند به‌صورت درهم‌تنیده برای تحلیل مسائل اجتماعی استفاده شوند.
- یا در فرایندهای ارزشیابی برنامه‌ها، می‌توان از طرح‌های اصلی در مراحل مختلفی مانند نیازسنجی، ارزیابی فرایند یا آزمون اثربخشی مداخله بهره گرفت.

روش‌های تحقیق

سومین عنصر اصلی در چارچوب «فلسفه، طراحی، روش» عبارت است از روش‌های خاص پژوهش که شامل شیوه‌های گردآوری داده‌ها، تحلیل آن‌ها و تفسیر نتایج می‌شود؛ یعنی آنچه پژوهشگران برای اجرای مطالعه خود پیشنهاد می‌کنند. همان‌طور که در جدول ۴-۱ نشان داده شده است، سودمند است که مجموعه‌ی کاملی از امکانات و گزینه‌های گردآوری داده‌ها را در نظر گرفته و این روش‌ها را بر اساس معیارهایی مانند «درجه ازپیش‌تعیین‌شده بودن»، «استفاده از پرسش‌های بسته در برابر پرسش‌های باز» و «تمرکز بر داده‌های عددی یا غیرعددی» طبقه‌بندی کنیم. این روش‌ها در فصل‌های هشتم تا دهم به‌طور مفصل‌تر شرح داده خواهند شد.

پژوهشگران داده‌ها را از طریق ابزار یا آزمونی گردآوری می‌کنند (برای مثال، مجموعه‌ای از پرسش‌ها درباره نگرش فرد نسبت به عزت‌نفس) یا اطلاعاتی را از طریق فهرست و ارسای رفتاری جمع‌آوری می‌کنند (برای مثال، مشاهده عملکرد یک کارگر در انجام یک مهارت پیچیده). در سوی دیگر این پیوستار، گردآوری داده‌ها ممکن است از طریق بازدید از محل پژوهش و مشاهده رفتار افراد بدون طرح پرسش‌های ازپیش‌تعیین‌شده انجام شود، یا مصاحبه‌ای صورت گیرد که در آن، مشارکت‌کننده آزادانه درباره یک موضوع صحبت می‌کند، بی‌آنکه ساختار مشخصی از پرسش‌ها بر گفت‌وگو حاکم باشد. انتخاب روش گردآوری داده‌ها به این بستگی دارد که هدف پژوهشگر مشخص کردن نوع اطلاعات مورد نیاز از پیش است یا فراهم‌ساختن بستری برای ظهور اطلاعات از دل



تجربه‌ها و دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان. همچنین، نوع داده‌هایی که تحلیل می‌شوند ممکن است اطلاعات عددی گردآوری شده با ابزارهای استاندارد باشد یا داده‌های نوشتاری که بیانگر صدای مشارکت‌کنندگان‌اند. پژوهشگران بر اساس این داده‌ها یا به تفسیر نتایج آماری می‌پردازند یا مضامین و الگوهای را که از داده‌ها استخراج شده‌اند تحلیل و تفسیر می‌کنند. در برخی از انواع پژوهش، هر دو نوع داده‌ی کمی و کیفی گردآوری، تحلیل و تفسیر می‌شوند؛ برای مثال، داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌های استاندارد ممکن است با مشاهدات آزادانه میدانی تکمیل شود یا پس از تحلیل داده‌های سرشماری، مصاحبه‌های عمیق و اکتشافی انجام گیرد. در این حالت آمیخته، پژوهشگر استنتاج‌هایی را بر پایه هر دو مجموعه داده‌ی کمی و کیفی انجام می‌دهد.

جدول ۴-۱. روش‌های کمی، آمیخته و کیفی

کمی	کیفی	آمیخته
<ul style="list-style-type: none"> از پیش تعیین‌شده پرسش‌های مبتنی بر ابزار (ابزارسنجی) داده‌های عملکردی، داده‌های نگرشی، داده‌های مشاهده‌ای و داده‌های سرشماری تحلیل آماری تفسیر آماری 	<ul style="list-style-type: none"> روش‌های در حال ظهور پرسش‌های باز داده‌های مصاحبه، داده‌های مشاهده‌ای، داده‌های اسنادی و داده‌های دیداری‌شنیداری تحلیل متنی و تصویری مضامین، الگوها و تفسیرها 	<ul style="list-style-type: none"> آمیخته از روش‌های از پیش تعیین‌شده و در حال ظهور آمیخته از پرسش‌های بسته و باز اشکال متنوع داده‌ها با بهره‌گیری از تمامی منابع ممکن تحلیل آماری و متنی تفسیر تلفیقی میان پایگاه‌های داده

درهم‌تنیدگی دیدگاه‌های فلسفی، طرح‌ها و روش‌ها

دیدگاه‌های فلسفی، طرح‌های پژوهشی و روش‌های گردآوری و تحلیل داده‌ها، همگی در شکل‌گیری یک رویکرد پژوهشی نقش دارند؛ رویکردی که می‌تواند کمی، کیفی یا آمیخته باشد. جدول ۵-۱ تمایزهایی را ارائه می‌دهد که می‌تواند برای انتخاب رویکرد مناسب پژوهش مفید واقع شود. این جدول همچنین شامل شیوه‌های رایج در هر سه رویکرد است که در فصل‌های بعدی کتاب بر آن‌ها تأکید خواهد شد.

برای روشن‌تر شدن نحوه ترکیب این سه عنصر در طراحی پژوهش، می‌توان از این سناریوهای پژوهشی استفاده کرد:

<p>مثال ۱. رویکرد کمی: دیدگاه پسانتیاتی‌گرایانه، طرح مطالعات تجربی و استفاده از اندازه‌گیری‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون نگرش‌ها؛ در این سناریو، پژوهشگر به آزمون یک نظریه می‌پردازد؛ به این صورت که فرضیه‌هایی محدود و مشخص را تعریف کرده و داده‌هایی را برای تأیید یا رد آن‌ها گردآوری می‌کند. طراحی پژوهش از نوع تجربی است و هدف آن، سنجش نگرش‌ها پیش از مداخله تجربی و پس از آن است. داده‌ها از طریق یک ابزار سنجش نگرش گردآوری می‌شوند و تحلیل آن‌ها با استفاده از روش‌های آماری و آزمون فرضیه‌ها صورت می‌گیرد.</p>
<p>مثال ۲. رویکرد کیفی: جهان‌بینی ساخت‌گرایانه، طرح مردم‌نگاری و مشاهده رفتار؛ در این وضعیت، پژوهشگر به دنبال درک معنای یک پدیده از دیدگاه شرکت‌کنندگان است. این به معنای شناسایی گروهی است که فرهنگ مشترک دارند و مطالعه چگونگی توسعه الگوهای رفتاری مشترک آن‌ها در طول زمان (یعنی مردم‌نگاری) می‌باشد. یکی از عناصر کلیدی جمع‌آوری داده‌ها به این روش، مشاهده رفتارهای شرکت‌کنندگان در هنگام انجام فعالیت‌ها است.</p>
<p>مثال ۳. رویکرد کیفی: جهان‌بینی تحول‌گرا، طرح روایی و مصاحبه‌های باز؛ در این پژوهش، محقق قصد دارد مسئله‌ای مرتبط با سرکوب یا ظلم بر افراد را بررسی کند. برای این منظور، پژوهشگر با استفاده از رویکرد روایی، داستان‌هایی درباره تجربه سرکوب فردی جمع‌آوری می‌کند. افراد مورد مصاحبه فرار می‌گیرند تا مشخص شود چگونه شخصاً تجربه سرکوب را گذرانده‌اند.</p>

مثال ۴. رویکرد روش‌های آمیخته: جهان‌بینی پراگماتیک، جمع‌آوری داده‌های کمی و کیفی به صورت توالی در طرح پژوهش؛ پژوهشگر بر این فرض استوار است که جمع‌آوری انواع مختلف داده‌ها بهترین راه برای دستیابی به درک جامع‌تر از مسئله پژوهشی است، به طوری که داده‌های کمی یا کیفی به تنهایی کافی نیستند. مطالعه با یک نرسنجی گسترده آغاز می‌شود تا نتایج را به یک جامعه آماری تعمیم دهد و سپس در مرحله دوم، بر مصاحبه‌های کیفی با پرسش‌های باز تمرکز می‌کند تا دیدگاه‌های دقیق‌تر شرکت‌کنندگان را جمع‌آوری کرده و به توضیح نتایج اولیه نرسنجی کمی کمک کند.

جدول ۵-۱. رویکردهای کیفی، کمی و آمیخته در پژوهش

تمایل دارد یا معمولاً	رویکرد کیفی	رویکرد کمی	رویکرد آمیخته
استفاده از این فرضیات فلسفی	ادعاهای دانشی سازه‌گراییانه/تحولی	ادعاهای معرفتی پسااثبات‌گرایانه	ادعاهای معرفتی پراگماتیک (عملگراییانه)
استفاده از این طرح‌ها	پدیدارشناسی، نظریه داده بنیاد، مردم‌نگاری، مطالعه موردی و روایت‌شناسی	پژوهش‌های پیمایشی و مطالعات تجربی (شامل تجربی واقعی، نیمه‌تجربی و تک‌نمونه‌ای)	طرح‌های ترتیبی (پیوسته)، همگرا و پیچیده
استفاده از این روش‌ها	سوالات باز، روش‌های نوظهور، داده‌های متنی یا تصویری	سوالات بسته‌گزینه‌ای، رویکردهای از پیش تعیین‌شده، داده‌های عددی (ممکن است شامل برخی سوالات باز نیز باشد)	سوالات هم باز و هم بسته، رویکردهای هم نوظهور و هم از پیش تعیین‌شده و همچنین داده‌ها و تحلیل‌های کمی و کیفی
کاربست این رویه‌ها در پژوهش	<ul style="list-style-type: none"> جایگاه خود را در پژوهش مشخص می‌کند معانی شرکت‌کنندگان را جمع‌آوری می‌کند بر یک مفهوم یا پدیده‌ی خاص تمرکز می‌کند ارزش‌های شخصی را وارد پژوهش می‌کند زمینه یا محیط زندگی شرکت‌کنندگان را مطالعه می‌کند دقت و صحت یافته‌ها را اعتبارسنجی می‌کند داده‌ها را تفسیر می‌کند برنامه‌ای برای تغییر یا اصلاح ایجاد می‌کند با شرکت‌کنندگان همکاری می‌کند از روش‌های تحلیل متنی استفاده می‌کند 	<ul style="list-style-type: none"> مطالعات تجربی یا تأیید نظریه‌ها یا توضیحات شناسایی متغیرهایی برای مطالعه رابطه دادن متغیرها در قالب سؤال یا فرضیه استفاده از استانداردهای اعتبار و پایایی مشاهده و اندازه‌گیری اطلاعات به صورت عددی استفاده از روش‌های بدون سوگیری کاربرد روش‌های آماری 	<ul style="list-style-type: none"> داده‌های کمی و کیفی را جمع‌آوری می‌کند دلیل و منطق ترکیب داده‌ها را تدوین می‌کند داده‌ها را در مراحل مختلف تحقیق تلفیق می‌کند تصاویر بصری از فرایندهای انجام مطالعه ارائه می‌دهد از روش‌های پژوهش کیفی و کمی به‌طور همزمان استفاده می‌کند

معیارهای انتخاب رویکرد پژوهشی

با توجه به وجود رویکردهای کیفی، کمی یا آمیخته، چه عواملی بر انتخاب یک رویکرد به‌جای رویکرد دیگر برای طراحی پروپوزال تأثیر می‌گذارد؟ برای اتخاذ این انتخاب، علاوه بر جهان‌بینی، طرح پژوهشی و روش‌ها، باید مسئله پژوهش، تجربیات شخصی پژوهشگر و مخاطبان گزارش را نیز در نظر گرفت.

/ مسئله و سوالات پژوهش

مسئله پژوهش که در فصل پنجم به طور مفصل‌تر مورد بحث قرار گرفته است، موضوع یا نگرانی است که نیاز به بررسی دارد (مثلاً موضوع تبعیض نژادی). این مسئله ممکن است از خلاها، تعارضات در نتایج پژوهش‌های قبلی یا موضوعات نادیده گرفته شده در ادبیات پژوهشی ناشی شود. همچنین می‌تواند از نیاز به تأکید بر صدای شرکت‌کنندگان حاشیه‌ای و مشکلات واقعی زندگی در محیط کار، خانه یا جامعه شکل بگیرد. برخی از انواع